

چالش‌های مذهبی و قومی در پروژه ملت‌سازی در کشور عربستان سعودی

فرشید ایمنی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای - گرایش خاورمیانه و شمال آفریقا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی،
دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

رژیم حاکم بر کشور عربستان تنها دولتی وهابی در جهان می‌باشد. به دلیل نوع ساختارهای قومی و مذهبی آن کشور، خاندان آل سعود به همراه قبایل وفادار به این خاندان در جایگاه بالاتری نسبت به دیگر ساکنان این کشور قرار گرفته‌اند. در حال حاضر دولت حاکم بر این کشور به دلیل کنترل تمام منابع اقتصادی و طبیعی آن کشور، نیاز به حضور مردم را در اداره کشور احساس نمی‌کند و به نظر می‌رسد که وجود تفاوت‌های مذهبی و قومی چالش بسیار بزرگی را در فرایند ملت‌سازی در کشور عربستان سعودی ایجاد نموده است که در این مقاله با بهره‌گیری از این فرضیه، به بررسی میزان تأثیر عوامل مذکور در این فرایند پرداخته می‌شود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که موضوع مذهب و قومیت نقش بسیار مهمی را در خصوص دسترسی به نیازهای اولیه و استفاده از فرصت‌ها و مزایای دولتی برای ساکنین کشور عربستان سعودی ایفا می‌کند. بر همین اساس تنها قبایل نجدی (از قبایل وهابی وفادار به خاندان آل سعود می‌باشند) امکان بهره‌گیری از تمامی مزایای ارائه شده توسط رژیم سعودی را دارا می‌باشند و سایر اقوام و اقلیت‌ها (مانند شیعیان آن کشور) تحت فشار و نظارت شدید دولت سعودی زندگی می‌کنند.

واژگان کلیدی: عربستان سعودی، ملت‌سازی، اسلام، وهابیت، خاندان آل سعود

مقدمه

عوامل بسیار زیادی مانند انرژی، گذرگاه‌های آبی، بازار مصرف و وجود رژیم صهیونیستی، منطقه خاورمیانه را برای سایر کشورهای جهان تبدیل به منطقه‌ای استراتژیک می‌نماید. در این میان امنیت دولت‌های قدرتمند این منطقه (که نقش بسیار مهمی را در تأمین بخش مهمی از نیاز جهان به انرژی ایفا می‌کنند) برای قدرت‌های بزرگ بسیار حائز اهمیت می‌باشد. کشور عربستان سعودی با در اختیار داشتن منابع بسیار قابل توجهی از سوخت‌های فسیلی، یکی از کشورهای اصلی صادرکننده نفت در جهان می‌باشد. امنیت این کشور تأثیر بسیار زیادی بر بازار نفت جهانی خواهد داشت و بروز هرگونه تنش (از جمله تنش‌های داخلی) به طور قطع در بازارهای جهانی نفت تلاطم ایجاد خواهد نمود. دین رسمی در عربستان اسلام سنی است و فقه حنبلی مذهب طبقه حاکم بر عربستان سعودی می‌باشد که افراد پیرو این مذهب از مزایای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی بهره‌مند خواهند شد و پیروان سایر مذاهب از برخی و یا تمامی این مزایا محروم هستند. به دلیل آنکه تمام مردم عربستان نژاد عرب دارند، در این پژوهش نقش قبایل و مذهب در فرآیند ملت سازی در کشور عربستان سعودی بررسی خواهد شد. در عربستان سعودی قبایل زیادی مانند نجد، حجاز، عسیر و قبایل شیعی زندگی می‌کنند و این قبایل بر اساس نزدیکی به حکومت مرکزی می‌توانند از مزایای مختلف استفاده کنند. عربستان سعودی از لحاظ طی کردن فرآیند ملت‌سازی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. این کشور، دولتی اقتدارگرا دارد و از نظر تأسیس و توسعه نهادهای دموکراتیک بسیار ضعیف است. اقتصاد آن بر پایه نفت صادراتی است و دارای وابستگی شدید به کشورهای غربی می‌باشد.

تا کنون در مورد موضوع هویت در کشورهای منطقه خاورمیانه پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته است که از مهمترین آنها می‌توان به ماجین (۲۰۱۷)، فولر (۲۰۰۰)، کومینز (۲۰۱۲)، ابطی (۱۳۹۴) و زرگر (۱۳۸۶) اشاره نمود. با این وجود غالب این پژوهش‌ها به بررسی کلی کشورهای این منطقه پرداخته و این موضوع سبب می‌شود که مشکلات مربوط به هر کشور به طور دقیق مورد بررسی و موشکافی قرار نگیرد. به همین دلیل در بسیاری از این پژوهش‌ها تفاوت‌های مذهبی و قومی کشور عربستان سعودی و موانع موجود در فرایند ملت‌سازی در این کشور به طور اختصاصی مورد تحلیل قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد که تفاوت‌های مذهبی و قومی نقش بسیار مهمی را در پیشبرد این فرایند در این کشور داشته باشد که در این مقاله با بهره‌گیری از این فرضیه، به بررسی موانع موجود در فرایند ملت‌سازی در کشور عربستان پرداخته خواهد شد.

در ادامه این پژوهش ابتدا چارچوب نظری مطرح خواهد شد و سپس بافت جمعیتی و مذهبی عربستان سعودی و نقش مذهب و قومیت در شکل‌گیری فرآیند ملت‌سازی مورد بحث قرار خواهد گرفت و در بخش بعد به نقش این دو عامل در ساختار سیاسی پرداخته خواهد شد. در ادامه بحران‌ها و چالش‌های پیش‌روی هویت ملی در کشور عربستان سعودی بررسی و در نهایت نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

چارچوب نظری

هر انسان و یا گروه دارای یک و یا چند هویت است و هویت خود را بر اساس برخی ارزش‌ها، هنجارها، قوانین، سنت‌ها و روابط اجتماعی تعریف می‌کند. بومی لی هویت ملی را یک احساس و به رسمیت شناختن دو عنوان "ما" و "دیگران" می‌داند. شکل‌گیری ملت می‌تواند مبناهای مختلفی داشته باشد. شلاخر آن را تقسیم‌بندی طبیعی، هر در تجلی الهی و گلنر ملت را پدیده مدرن مبتنی بر ناسیونالیسم می‌داند. ملت، مفهومی ذهنی است تحقق آن در دنیای واقعی به تعهد مستمر غالب مردم به حفظ آن وابسته می‌باشد و با تصمیم مردم در خصوص انصراف از آن، از بین می‌رود (ابطحی، ۱۳۹۴، طاهری، ۱۳۹۳ و ۲۰۱۷، Majin).

مفهوم ملت سازی در میان دانشمندان سیاسی در حدود یک دهه بعد از جنگ جهانی دوم و به منظور توصیف همگرایی دولت و جامعه مورد استفاده قرار گرفت که در حال حاضر این مفهوم در مطالعات روابط بین‌الملل از اهمیت بسیاری برخوردار است. به صورت سنتی و در ادبیات بین‌الملل، ملت به عنوان کشگر واحد در نظر گرفته می‌شود و مرزهای دولتی با مرزهای هویتی و جمعیتی مطابق می‌باشد. به همین دلیل کاربرد مفهوم دولت - ملی بیانگر ارتباط نزدیک میان این دو مفهوم است اما به دلیل عدم شکل‌گیری مطلوب روند دولت - ملت سازی در کشورهای جهان سوم، این موضوع در آن کشورها صادق نیست و هویت (به معنی ملت) به دلیل چندپارگی‌ها و شکاف‌های هویتی مختلف از جمله شکاف‌های قومی و مذهبی، دارای مفهومی متفاوت از مفهوم رایج در کشورهای توسعه یافته می‌باشد. در خصوص فرآیند ملت‌سازی، ساتران معتقد است که این فرآیند، فرآیندی است که در طی آن یک اقتدار مشروع در جهت تأمین نظم، حقوق و دستیابی به ثبات سیاسی در چهارچوب یک ملت شکل می‌گیرد که دارای چهار بعد توسعه تدریجی یک حس همسانی با دولت و ایده‌آل‌ها و فلسفه سیاسی آن در میان اعضای جامعه سیاسی، گسترش ارتباطات اجتماعی در میان اجتماعات، گروه‌های فرعی و خرده فرهنگ‌ها در مناطق مختلف، فرسایش تدریجی تعهدات اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی سابق و اکتساب الگوهای جدید جامعه‌پذیری و انس و الفت با ارزش‌های جدید و توسعه امکانات زیربنایی، خطوط ارتباطی و قوانین برای جریان وسیع‌تر کالاها و خدمات در میان مناطق مختلف دولت است. بر اساس مطالب ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که ملت‌سازی یک پروژه می‌باشد که توسط یک دولت تشکیل یافته در محدوده سرزمینی خاص و بر مبنای جمعیتی با فرهنگ یکسان انجام می‌گیرد که دارای عناصری مانند کنترل سیاسی - نظامی انحصاری بر سرزمینی معین، دفاع از این سرزمین و ایجاد رفاه و مشروعیت سیاسی در درون این سرزمین است. در پیشبرد روند ملت‌سازی منابع اقتصادی نقش بسیار مهم و تعیین کننده‌ای دارند و شرایط تاریخی - زمانی، موقعیت ژئوپولیتیکی و سیستمیک نظام بین‌الملل نیز از دیگر عوامل حیاتی در شکل‌گیری و پیشبرد این فرآیند هستند. نظریات متعددی مانند نظریه فطری گرا، سازه‌نگاری و مدرنیته سرمایه‌داری در خصوص ملت‌سازی ارائه شده‌اند (زرگر، ۱۳۸۶).

نحوه راهبرد فرآیند دولت - ملت‌سازی نقش بسیار مهمی را در ایجاد امنیت این کشورها ایفا می‌کند. با توجه به شرایط موجود در منطقه خاورمیانه و بررسی پیشینه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی این کشورها، می‌توان گفت که فرآیند دولت - ملت‌سازی در کشورهای خاورمیانه شکل نگرفته است و یا به صورت ناقص اجرا شده است. به همین دلیل بررسی فرآیند

ملت‌سازی در این کشورها امری ضروری به نظر می‌رسد که بر همین اساس و در ادامه این پژوهش به بررسی چالش‌های قومی و مذهبی در فرایند دولت – ملت سازی در کشور عربستان سعودی پرداخته می‌شود.

بافت جمعیتی و مذهبی در کشور عربستان سعودی

بنابر آخرین برآوردهای انجام گرفته جمعیت عربستان در سال ۲۰۱۵ به حدود ۳۱۵۰۰۰۰۰ نفر خواهد رسید و نسبت مرد به زن در این کشور برابر با ۱/۲ خواهد بود (Unicef, ۲۰۱۳). همچنین براساس آمار سازمان ملل در حدود ۳۰٪ جمعیت عربستان (نزدیک به ۱۰ میلیون نفر) از اتباع سایر کشورها که در عربستان سعودی ساکن هستند، تشکیل شده است که از میان آن‌ها ۱/۵ میلیون نفر بنگلادشی، ۱/۵ میلیون نفر پاکستانی، ۱/۵ میلیون نفر اندونزیایی، ۵۰۰ هزار نفر سریلانکایی، ۳۵۰ هزار نفر نیالی، ۲۵۰ هزار نفر فلسطینی، ۱۵۰ هزار نفر لبنانی و مابقی را اتباع دیگر کشورها تشکیل می‌دهند. در حدود ۳۰٪ جمعیت عربستان را افراد زیر ۱۴ سال، ۶۵٪ آن‌ها را افراد ۱۵ تا ۵۹ سال، ۴٪ را افراد ۶۰ تا ۷۹ سال و ۱٪ را افراد بالای ۸۰ سال تشکیل می‌دهند (Abusaaq, ۲۰۱۵). زبان مردم عربستان عربی بوده و مردم آن کشور به سه گویش حجازی، نجدی و خلیج صحبت می‌کنند. عربستان به پنج منطقه تقسیم می‌شود. منطقه مرکزی نجد نام دارد که محل اتحاد خاندان آل سعود و فرقه وهابیت می‌باشد. منطقه حجاز در حاشیه ساحلی دریای سرخ قرار دارد که دو شهر مقدس مکه و مدینه نیز در این قسمت قرار دارند. استان الشرقیه و منطقه الهسا در شرق آن کشور قرار دارند که عمدتاً شیعه‌نشین هستند. ناحیه شمالی شامل استان‌های جوف و شمالی و ناحیه جنوبی شامل استان‌های عسیر، جازان و نجران است (MCIA, ۲۰۰۳).

اسلام سنی دین و مذهب رسمی کشور عربستان است و نظام آن کشور بر پایه فقه حنبلی بنا شده است. در حدود ۸۵ تا ۹۰ درصد مردم عربستان سنی مذهب و ۱۰ تا ۱۵ درصد آن‌ها را شیعیان تشکیل می‌دهند. در حدود ۸۰٪ شیعیان آن کشور ۱۲ امامی بوده که در استان‌های شرقی عربستان سکونت دارند. همچنین بخشی از شیعیان ۱۲ امامی در مدینه و نواحی غربی حجاز سکنی گزیده‌اند و شیعیان ۷ امامی با جمعیتی در حدود ۷۰۰ هزار نفر در استان نجران زندگی می‌کنند. به علاوه تخمین زده می‌شود که حدود ۲۰ هزار نفر زیدی (از دیگر شاخه‌های مذهب تشیع) نیز در مناطق جیران و نجران و در نزدیکی مرز یمن ساکن می‌باشند. با استناد به آمارهای سازمان ملل در مورد مذهب افراد خارجی ساکن در عربستان سعودی نیز می‌توان گفت در حدود ۱/۲ میلیون نفر مسیحی (پروتستان و ارتودوکس)، ۳۱۰ هزار نفر هندو، ۹۰ هزار نفر بودایی و ۱۴۰ هزار نفر پیروان سایر ادیان در این کشور زندگی می‌کنند. سایر افراد خارجی ساکن در این کشور مسلمان هستند (United States Department of State, ۲۰۱۴).

مذهب و ملت‌سازی در عربستان سعودی

ساختارهای خاص قبیله‌ای و عشیره‌ای، آموزه‌های عمیقاً سنتی و مذهبی و نیز سیطره افکار و ایده‌های سلفی در قالب وهابیت باعث متمایز شدن عربستان از دیگر همسایه‌های عرب خود شده است. در قرن هیجدهم میلادی فرقه وهابیت

شکل گرفت و با پیوند با خاندان آل سعود و استفاده از مزیت‌های قبیله‌ای آن، در سایه چتر حمایتی آنان قرار گرفت و قدرتمند شد. در حال حاضر، تنها دولت وهابی در جهان اسلام، دولت عربستان سعودی می‌باشد. در حد فاصل سال‌های پایانی قرن هجدهم و جنگ‌های جهانی، خاندان آل سعود توانست قبیله‌های رقیب را شکست داده و یا با خود متحد کنند و بدین وسیله خود را پیروز در منازعات داخلی دانسته و کشور عربستان سعودی را تأسیس کند. با توجه به نیاز به متحد ساختن تمامی قبایل به منظور برقراری امنیت و سلطه در کشوری جدید، تصمیم گرفته شد که از فرقه وهابیت نیز به عنوان یکی از عوامل اتحاد میان قبایل شکست خورده استفاده شود. به همین دلیل خاندان آل سعود با فرستادن مروچین وهابی به میان قبایل مختلف، تلاش برای گسترش این فرقه را در شبه جزیره عربستان آغاز کردند (ایمنی، ۱۳۹۵ و ملکی، ۱۳۸۶). همچنین نظام آموزشی در عربستان توسط نهادهای ایدئولوژیک تأسیس و مدیریت می‌شود که در این سیستم آموزشی، خشونت، افراطی‌گری و جهادی‌گری ترویج می‌شود و در کتاب‌های آموزشی آن‌ها نفرت از دیگر ادیان مانند مسیحیت و یهودیت و حتی دیگر مذاهب اسلامی تدریس می‌شود. به عنوان مثال، از دیدگاه وهابیت کشتن یک فرد شیعه مقدم بر کشتن یک فرد کافر بوده و این مسأله به خودی خود باعث ایجاد تنش و عدم اطمینان بین افراد با مذاهب مختلف (به خصوص میان شیعیان و دیگر ساکنین این کشور) در عربستان سعودی می‌گردد (ملکی، ۱۳۸۶ و Institute for Gulf Affairs, ۲۰۰۹).

راهبرد دولت آل سعود در تقابل با شیعیان آن کشور که اقلیتی در حدود ۱۵ درصد جمعیت آن کشور را دارا می‌باشند، بر مبنای بازی برد - باخت است که یکی از دلایل این امر نگرانی از افزایش نفوذ ایران در آن کشور در صورت حضور شیعیان در صحنه قدرت در آن کشور می‌باشد (ایمنی، ۱۳۹۵). همچنین در خصوص شیعیان عربستان می‌توان به این نکته اشاره نمود که دولت اجازه ورود آنها را به هیچ یک از پست‌ها و مناصب دولتی نمی‌دهد و بر اساس قانونی نانوشته از استخدام یا ارتقاء شغلی شیعیان در وزارتخانه‌ها، سفارتخانه‌ها، مشاغل امنیتی، نظامی، خلبانی، معلمین مذهبی، دستگاه قضاوت (افراد شافعی و مالکی می‌توانند قاضی شوند)، شهردار، مشاور خاندان سلطنتی و ریاست ادارات دولتی جلوگیری می‌شود. به علاوه دولت سعودی در خصوص احداث مراکز دینی و مساجد شیعیان هیچ کمک مالی به آنها نکرده و ساخت مراکز آنها در بسیاری از شهرهای عربستان ممنوع است. همچنین اجازه چاپ کتاب، داشتن رسانه و تأسیس مدرسه به شیعیان داده نمی‌شود. بسیاری از شیعیان مانند شیعیان فاطمی در نجران تحت فشار شدید دولت قرار گرفته و بالاجبار خانه خود را ترک گفته و به شهرهای دیگر کوچانده شده‌اند. بسیاری از شیعیان تنها دلیل وجود این تبعیض‌ها را مذهب خود می‌دانند.

نقش قومیت در فرایند ملت‌سازی عربستان سعودی

وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قبایل ساکن در عربستان بر اساس رابطه آن‌ها با حکومت مرکزی تعیین می‌شود. بر همین اساس قبایل ساکن در نجد به دلیل اتحاد قدیمی با خاندان آل سعود و پیروی از مذهب وهابیت دارای جایگاه مناسبی در عربستان سعودی می‌باشند.

گروه‌های قومی دیگر مانند حجاز (که از مزایای اقتصادی محروم هستند) و عسیر به دلیل وهابی نبودن و پیروی از دیگر مذاهب اسلامی دارای جایگاه پایین‌تری نسبت به قبایل نجدی هستند. در پایین‌ترین مرتبه نیز قبایل شیعه هستند که توسط برخی از علمای وهابی کافر و مرتد خوانده می‌شوند و از بسیاری از مزایایی که قبایل دیگر ساکن در سرزمین عربستان از آن بهره‌مند می‌باشند، محروم هستند. این موضوع به قدری واضح و برجسته می‌باشد که در دوره‌های مختلف موجب اعتراضات و شورش‌هایی توسط شیعیان عربستان گردیده است که یکی از این شورش‌ها، شورش است که در سال ۱۹۷۹ بوده که با الهام از انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت. شیعیان عربستان دارای مطالبات اقتصادی و مذهبی بوده و نسبت به نابرابری‌های موجود در این زمینه‌ها اعتراضاتی داشته و خواهان رفع آنها بودند. اگرچه دولت عربستان موفق به سرکوب معترضین و تجزیه طلبان شرقی کشور خود شد ولی ترس از احیای این اعتراضات تا کنون از بین نرفته است. این ترس مربوط به برقراری ارتباط با ایران توسط اقلیت شیعه و سکونت اقوام شیعی در مناطق استراتژیک و نفت‌خیز این کشور می‌باشد که این موضوع باعث افزایش فشار بر شیعیان شده است. با توجه به این موضوع که قبایل نجدی در حدود ۲۸٪ جمعیت عربستان را تشکیل می‌دهند، می‌توان نتیجه گرفت اکثریت جمعیت عربستان از مزیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی محروم هستند (شیرازی، ۱۳۹۴، ۲۰۱۵، Tzemprin, ۲۰۱۰ و Fuller, ۲۰۰۰).

براساس مطالب ذکر شده، طبقه‌بندی قبایل مهم ساکن در عربستان را از لحاظ جایگاه کلی و در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ترتیب شامل خاندان سلطنتی، قبایل وهابی مذهب (به خصوص طبقه روحانیت وهابی)، قبایل نجد، قبایل حجاز و عسیر و قبایل شیعه می‌شود.

مذهب و قومیت و ساختار سیاسی در عربستان سعودی

خاندان آل سعود در سال ۱۷۴۴ با فرقه وهابیت پیوند خورد و از آن زمان تا کنون خاندان آل سعود پیروی از دکتترین وهابیت و گسترش آن را در دستور کار خود قرار داده است و در حال حاضر خاندان حاکم با هرگونه حرکت مذهبی مغایر با وهابیت به شدت برخورد می‌کند (Commins, ۲۰۱۲).

روابط میان خاندان سعودی و مراکز مذهبی از سال ۱۹۳۲ و با تأسیس کشور عربستان سعودی پیچیدگی بیشتری پیدا کرد. بررسی این روابط این سؤال را برای بسیاری از محققان و پژوهشگران ایجاد می‌کند که دولت مرکزی کنترل مراکز مذهبی را بر عهده دارد و یا مراکز دینی بر امور حاکم و جاری بر دولت و خاندان پادشاهی تسلط دارد؟ به هر شکل می‌توان گفت که مراکز مذهبی و علمای فرقه وهابیت در شکل‌دهی سیاست داخلی دولت و نظام پادشاهی و حتی سیاست خارجی این کشور نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند و قانون اساسی کشور عربستان سعودی بر اساس دین اسلام و فقه حنبلی تدوین شده است. بالاترین مقامات دولتی در عربستان سعودی متعلق به خانواده سلطنتی است و خاندان آل سعود قدرت مطلق را در اختیار دارند. بیش از پنج هزار نفر از مردان این خاندان، تمامی مشاغل حساس دولتی در دست گرفته و پادشاه را در کنترل و اداره کشور یاری می‌دهند. سایر افرادی که دارای تخصص هستند و از خاندان آل سعود نیستند، در پست‌های فنی و غیر حساس مانند پست‌های مربوط به مدیریت مالی ادارات و کارخانجات منصوب می‌شوند.

ادارات دایر در استان‌های این کشور قدرت اجرایی مستقل نداشته و تمامی آن‌ها زیر نظر شاهزاده‌های سعودی اداره می‌شوند (Fuller, ۲۰۰۰).

هیئت وزیران در عربستان سعودی (مجلس وزیران) با ریاست پادشاه به عنوان رئیس مجلس وزراء (و یا نخست وزیر) و ولیعهد به عنوان نایب اول رئیس مجلس تشکیل جلسه می‌دهد. هیئت وزیران دارای بیست و سه وزیر می‌باشد که با حکم سلطنتی به این عنوان منصوب می‌شوند. قوانین مصوب در این مجلس بر اساس تفسیر شخص پادشاه از دین اسلام است و با امضاء او مصوبات تبدیل به قانون می‌شوند. سیستم قضایی عربستان بر پایه قوانین اسلام استخراج شده از قرآن و مذهب سنی که بر اساس فتوای یک شورای هجده نفره است، اداره می‌شود و دولت عربستان هیچ واحد قضایی مجزایی ندارد و مفتی اعظم (ریاست شورا) و هفده عضو دیگر (که وزیر عدالت هم در میان آن‌ها می‌باشد) وظیفه انتخاب قضات را بر عهده دارند (United States Department of State, ۲۰۱۴).

تمام اعضای این شورا توسط پادشاه به مدت چهار سال انتخاب می‌شوند که این مدت قابل تمدید می‌باشد. تمام اعضای این شورا در مدرسه حنبلی عضو بوده و هیچ فرد شیعه‌ای عضو آن نیست. در گذشته، این شورا تنها در خصوص قوانین مذهبی و انتخاب قضات و مقامات قضایی اعلام نظر می‌کرد. اما در دهه‌های اخیر در مورد سایر موارد نیز به صورت خصوصی و محرمانه به پادشاه مشاوره می‌دهند. مجلس شورای عربستان سعودی دارای صد و پنجاه عضو دائم مرد و دوازده نفر عضو غیر دائم زن (بدون حق رای) می‌باشد که توسط پادشاه انتخاب می‌گردند و تنها پنج نفر از آن‌ها دارای مذهب شیعه هستند و هر چهار سال نیمی از آن‌ها تغییر می‌کنند. همچنین دولت عربستان سعودی اجازه حضور هیچ فردی خارج از خاندان سلطنتی را در پست‌های مهم دولتی، نظامی و امنیتی نمی‌دهد. همچنین دولت سعودی از حضور افراد غیر سنی (به خصوص شیعیان) در پست‌های دولتی و ایفای نقش‌های اجتماعی و یا مذهبی ممانعت به عمل آورده و افراد خارج از فقه حنبلی و وهابی را از استفاده از برخی از مزایای اقتصادی و اجتماعی محروم نموده است (Institute for Gulf Affairs, ۲۰۰۹).

چالش‌های پیش روی هویت ملی در عربستان

عربستان سعودی در خصوص موضوع هویت ملی با چالش‌های زیادی روبرو می‌باشد که از مهمترین آنها می‌توان به فعالیت گروه‌های شیعه در آن کشور، وجود سازمان‌های حقوق بشر و سازمان‌های مشابه اشاره نمود. همچنین افزایش جمعیت این کشور نیز می‌تواند تأثیرات خود را در خصوص ایجاد بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داشته باشد. دلیل این امر قدرت‌گیری گروه‌هایی است که جمعیت آن‌ها در حال افزایش است و از مزیت‌های اجتماعی، سیاسی و یا اقتصادی محروم هستند. به نظر می‌رسد که این گروه‌ها قدرت لازم را جهت پیگیری مطالبات خود در زمینه‌های مذکور و نیز توانایی برپایی اعتراضات را در آینده نزدیک پیدا کنند. نکته مهم دیگر، افزایش آگاهی‌های قومی و مذهبی به دلیل استفاده از شبکه‌های اجتماعی مختلف مانند فیسبوک و توئیتر است. اگرچه امکان بررسی میدانی مستقیم در خصوص تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مردم عربستان وجود ندارد اما به نظر می‌رسد که شبکه‌های مذکور تأثیر بسیار قابل توجهی بر

شکل گیری هویت های قومی و مذهبی و تغییر در برخی ارزش های مردم عربستان سعودی (به خصوص نسل جوان آن کشور) را دارا می باشند. به صورت کلی و با توجه به عناصر تشکیل دهنده هویت ملی در عربستان (داشتن مذهب وهابیت و یا داشتن رابطه نزدیک با خاندان پادشاهی)، می توان نتیجه گرفت که جمعیت کثیری از مردم عربستان سعودی (به خصوص شیعیان) در حاشیه قرار می گیرند. به نظر می رسد که به منظور از بین بردن شکاف های موجود، دولت عربستان سعودی می بایست در ابتدا بر روی تغییر در الگوی رشد جمعیتی آن کشور و همچنین توسعه اقتصادی تمرکز کرده و در مرحله بعد بر روی افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی گروه های مختلف و زنان در جامعه خود اقدام نماید. در حال حاضر دولت آل سعود با اجرای برنامه هایی مانند امنیت غذایی (در دسترس بودن و ثابت نگه داشتن قیمت مواد غذایی)، ارائه کمک هزینه های تحصیلی (با عنوان کمک هزینه تحصیلی ملک عبدالله)، ارتقاء جایگاه زنان در کشور و انجام اصلاحات اقتصادی درصدد ارتقاء جایگاه خود در میان اقشار جامعه و جمع کردن آنها حول محور وفاداری به نظام پادشاهی است (Al-Zahrani, ۲۰۱۴ و Kumaraswamy, ۲۰۰۶).

نتیجه گیری

با تأسیس کشور عربستان سعودی، رژیم آل سعود تلاش خود به منظور یکپارچه سازی مذهبی جامعه آن کشور با اعزام مبلغان فرقه وهابیت به سراسر کشور آغاز نمود و این مبلغین با در دست گرفتن تمام مراکز مذهبی عربستان سعودی فعالیت خود را گسترش دادند. در کنار این موضوع، فعالیت ها و ترویج دیگر مذاهب محدود و ممنوع شد. با این وجود این یکپارچه سازی ناموفق بود و در حال حاضر افراد و قبیله های مختلف با مذاهب اسلامی متفاوت مانند شیعه، مالکی و شافعی نیز در آن کشور زندگی می کنند.

در خصوص قبیله های ساکن در این سرزمین نیز اشاره به این موضوع حائز اهمیت می باشد که استفاده از مزیت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تنها منوط به داشتن رابطه قوی با رژیم حاکم در آن کشور و پیروی از مذهب وهابیت و یا فقه حنبلی (به عنوان عناصر تشکیل دهنده هویت ملی در عربستان) می باشد. با عنایت به مطالب ذکر شده در این پژوهش، تنها قبیله های نجدی که در حدود ۲۸ درصد ساکنین کشور عربستان سعودی را تشکیل می دهند، در وضعیت قابل قبولی از لحاظ دستیابی به مزایای مذکور می باشند و سایر قبایل به شکل های مختلف محرومیت هایی را تجربه می کنند. ساختار سیاسی رژیم آل سعود اجازه ورود افرادی غیر از افراد این خاندان را به مناصب دولتی و حساس نداده و جامعه عربستان سعودی هیچگونه مشارکت سیاسی در خصوص اداره کشور ندارند. در سال های اخیر، رژیم آل سعود اصلاحاتی را در دستور کار خود قرار داده است که بنا به نظر اکثر کارشناسان سیاسی در صورت تحقق این اقدامات، آن رژیم اولین قربانی آن خواهد بود که دلیل این امر افزایش مشارکت و آگاهی افراد جامعه (به ویژه زنان) و قدرت گرفتن بخش خصوصی می باشد. لذا پیش بینی می شود این اصلاحات نیز تنها به صورت نمایشی به اجرا در آید.

بنا به مطالب ذکر شده در این پژوهش، دولت عربستان برنامه خاصی و مدونی را در خصوص یکپارچه سازی و ادغام افراد جامعه به صورت جدی دنبال نمی کند که یکی از مهمترین دلایل این امر عدم وابستگی اقتصادی رژیم به مردم و

بخش خصوصی می‌باشد. رژیم آل سعود به دلیل در دست گرفتن منابع اقتصادی و مشارکت دادن خاندان خود در تمامی مناصب مهم دولتی نیازی به حضور دیگر افراد جامعه در سطوح بالا احساس نمی‌کند و به همین دلیل پروژه‌ای جدی در خصوص ملت‌سازی در آن کشور تدوین نشده است.

منابع

- ابطحی، مصطفی، ترابی، علی اصغر، نقش آمریکا در دولت- ملت سازی در افغانستان و عراق جدید، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۱، شماره ۳۲، ۱۳۹۴.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب الله، میزان سنجی تأثیر عنصر رقابت بر جنگ های نیابتی ایران و عربستان، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره اول، ۱۳۹۴.
- ایمنی، فرشید، بررسی آینده روابط ایران و عربستان و عوامل تأثیرگذار بر آن، سومین همایش نظام بین الملل، تحولات منطقه ای و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴.
- زرگر، افشین، مدل های دولت- ملت سازی؛ از مدل اروپایی تا مدل اوراسیایی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی دوره ۴، شماره ۷، ۱۳۸۶.
- طاهری عطار، عزه اله، طراحی و تبیین الگوی ملت سازی پایدار، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال دوم، شماره ۷، ۱۳۹۳.
- ملکی، عباس، روابط ایران و عربستان در بوته نقد، راهبرد یاس، سال دوم، شماره ششم، ۱۳۸۶.
- Abusaaq, Hussain I. (۲۰۱۵). Population aging in Saudi Arabia. Saudi Arabian Monetary Agency. Economic Research Department.
- Al-Zahrani, Yahya. (۲۰۱۴). Saudi Arabia and the Arab Spring: Reshaping Saudi Security Doctrine. Metropolitan University Prague. Volume ۸. Issue ۴.
- Bureau of Democracy, Human Rights, and Labor. (۲۰۱۴). Saudi Arabia International Religious Freedom Report, International Religious Freedom Report for ۲۰۱۴ United States Department of State.
- Commins, David. (۲۰۱۲). Awakening Islam: The Politics of Religious Dissent in Contemporary Saudi Arabia. Harvard University Press. The Christian Century. Jan ۲۵. ۲۰۱۲. ۱۲۹. ۲. ProQuest Central, pg. ۳۹.
- Fuller, Graham and Szayna, Thomas S. (۲۰۰۰). Identifying potential ethnic conflict: application of a process model. Santa Monica. Calif.
- Institute for Gulf Affairs (۲۰۰۹). The Crisis of Religious Freedom in Saudi Arabia.
- Kumaraswamy, P.R. (۲۰۰۶). Who am I?: The identity crisis in the Middle East, Middle East Review of International Affairs. Vol. ۱۰. No. ۱.
- Majin, Shokrollah Kamari, (۲۰۱۷). Iranian and Saudi Cultural and Religious Identities: Constructivist Perspective. Open Journal of Political Science. Vol ۷. pp ۸۱-۶۵.
- Marine Corps Intelligence Activity. (۲۰۰۳). Cultural Intelligence for Military Operations: Saudi Arabia.
- Tzemprin, Athina and Jozic, Jugoslav. (۲۰۱۵). The Middle East Cold War: Iran-Saudi Arabia and the Way Ahead. Croatian Political Science Review. Vol. ۵۲. No. ۴-۵. pp. ۱۸۷-۲۰۲.
- Unicef. (۲۰۱۳). Saudi Arabia – Migration Profiles.